

جمع بندی بحث:

۱. چنانکه گفتیم امر به شی هیچ اقتضایی نسبت به ضد خاص ندارد. اما نسبت به ضد عام:
۲. توجه شود که در هر امر و نهی، یک مقتضی وجود دارد که در امر مصلحت است و در نهی مفسده است. و یک اراده فعل و اراده ترک وجود دارد و یک بعث و زجر وجود دارد و یک مقام امتثال. الف) اما در مقام مقتضی، روشن است که آنچه مصلحت دارد صلوة است ولی ترک صلوة دارای مفسده نیست، بلکه ترک صلوة، «عدم مصلحت» را با خود دارد. ب) اما در مقام اراده، ممکن است بتوان گفت وقتی کسی فعل صلوة را اراده کرده است، لاجرم «ترک ترک صلوة» را هم اراده می کند. (همانند آنچه در بحث مقدمه واجب گفته شده است و در اینجا هم تحت عنوان «وجدان» قابل طرح است) توجه شود که در اینجا نمی توان دقیقاً از اصطلاح لازم بین به معنی الاخص یا معنی الاعم استفاده کرد، چراکه ملازمه در خطور معنی به ذهن است و این مقام «وجود» است؛ یعنی مدعا آن است که با پیدایش یک اراده، اراده دیگر پدید آمده و موجود می شود ولی با این حال - اگرهم بپذیریم چنین ملازمه ای برقرار است، چنانکه از امام خواندیم، این اراده به مرتبه انشاء اعتبار نمی رسد چراکه لغویت لازم می آید.

اللهم الا ان يقال: نفس اراده مولا باعث حکم الزامی می شود حتی اگر به انشاء نرسد.

ح) اما در مقام انشاء هیچ ملازمه ای بین بعث و زجر وجود ندارد.

- د) اما در مقام امتثال، اگرچه یک فعل هم مصداق اطاعت از امر است و هم مصداق اطاعت از نهی ولی این مقام باعث نمی شود تا بگوئیم که از امر، نهی زاده می شود. (و لذا گفتیم کلام مرحوم نائینی که اتحاد مصداقی را در این مقام مطرح کرده بودند، از بحث ما اجنبی است)
- اللهم الا ان يقال: که در همین مقام هم فعل صلوة، فقط مصداق یک امر وجود است و نمی تواند مصداق یک امر عدمی «ترک ترک صلوة» باشد (مطابق فرمایش امام)
- پس: امر به شی مقتضی نهی از ضد عام نیست.



ثمره بحث اقتضاء:

۱. بحث از ضد عام، فی حد نفسه ثمره ندارد ولی چون گفتیم که «نهی از ضد خاص» در صورتی که آن

را بپذیریم، وابسته به آن است که ثابت کنیم «ضد عام» هم منهی عنه است.^۱

۲. اما درباره ضد خاص: توجه شود که نهی حاصل از اقتضاء چون نهی غیري است -مطابق قول مشهور-

نمی تواند باعث عقاب و حرمت در ضد خاص شود، لذا بزرگترین ثمره بحث اقتضاء، فساد عباداتی

دانسته شده است که این عبادت در تضاد با واجب اهم قرار گیرد. نحوه استدلال چنین است:

(۱) ازاله نجاست واجب است (و به سبب اینکه واجب فوری است، از صلوة که واجب موسع است،

اهم است)

صلوة ضد خاص ازاله نجاست است.

ضد خاص هر واجبی منهی عنه است.

پس: صلوة منهی عنه است.

(۲) صلوة منهی عنه است.

عبادات منهیّه، فاسد هستند.

صلوة فاسد است.

۳. مرحوم محقق رشتی، ثمرات دیگری را هم بر بحث اقتضاء بار کرده است:

ثمره دوم: حصول عصیان (عقاب و عصیان جدید)

ثمره سوم: حصول فسق (یعنی با تعدد گناه فسق پدید می آید)

ثمره چهارم: لزوم تمام خواندن نماز در سفری که باعث فوت واجب می شود.

ثمره پنجم: نذر که به عدم معصیت تعلق گرفته است.^۲

^۱ ن.ک: درسنامه سال نهم، ص ۹۰.

^۲ دایع الافکار، ص ۳۸۸.

